



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
موسسه آموزش عالی آزاد چتردانش

چتر

پاسخنامه

آزمون پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت

اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران «اسکودا»

سال ۱۳۹۵

دفترچه A

تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مواد امتحانی
۲۰	۱	۲۰	حقوق مدنی
۴۰	۲۱	۲۰	آیین دادرسی مدنی
۶۰	۴۱	۲۰	حقوق تجارت
۸۰	۶۱	۲۰	اصول استنباط
۱۰۰	۸۱	۲۰	حقوق جزای عمومی و اختصاصی
۱۲۰	۱۰۱	۲۰	آیین دادرسی کیفری

تعداد سؤال: ۱۲۰

زمان پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
پاسخنامه آزمون وکالت ۱۳۹۵/۰۹/۰۵

دفترچه A

حقوق مدنی (دکتر قربانی)

۱- گزینه «ج» صحیح است.

طبق ماده ۵۳ قانون مدنی: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله خواهد داشت»

از حکم مقرر در این ماده نکات زیر قابل استنباط است:

۱- واگذاری حق انتفاع از عین به غیر، سبب ممنوع شدن انتقال مالکیت عین نمی شود، مالک عین می تواند، آن را بعد از واگذاری حق انتفاع به خود منتفع یا شخص ثالث انتقال دهد. انتقال ممکن است با عقد معوض مثل بیع یا معاوضه صورت گیرد یا با انعقاد عقد رایگان مثل هبه یا صلح بلاعوض. مالک می تواند عین را با وصیت تملیکی به صورت معلق بر فوت خود بعد از واگذاری حق انتفاع، انتقال دهد.

۲- واگذاری مالکیت عین، آسیبی به حق انتفاع منتفع وارد نمی کند؛ اعم از این که مالکیت عین با عقد معوض منتقل گردد یا با عقد رایگان.

۳- نظر به این که حق انتفاع از عین قبل از انتقال مالکیت عین، به شخص دیگری واگذار شده است، انتقال گیرنده عین نمی تواند تا وقتی که حق انتفاع منتفع زایل نشده است از منافع عین استفاده کند، بعد از زوال حق انتفاع به جهت فسخ عقد موجب حق انتفاع یا به اسباب دیگر، مالک جدید عین (انتقال گیرنده) حق استفاده از عین خواهد داشت.

۴- چون حق انتفاع منتفع قبل از مالکیت انتقال گیرنده عین ایجاد شده است، استفاده منتفع منوط به موافقت و رضایت انتقال گیرنده عین نیست و بر مالکیت او تقدم دارد.

۲- گزینه «د» صحیح است.

طبق ماده ۷۵ قانون مدنی: «واقف می تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام الحیات یا در مدت معین برای خود قرار دهد...» طبق ماده ۸۴ قانون مدنی: «جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت المثل عمل است.» با توجه به اطلاق ماده ۸۴ حتی در فرضی که واقف خود را متولی وقف قرار داده است می تواند برای خود حق تولیت تعیین کند، منتها در این فرض نباید مزدی که تعیین شده است زیاد و گزاف باشد به نحوی که بخش عمده منافع مال موقوفه در قالب حق تولیت به خود واقف برگردد، طبق نظر غالب در این صورت وقف، در حکم وقف بر نفس و باطل است.

نادرست بودن گزینه الف به این دلیل است که طبق ماده ۷۹ قانون مدنی واقف فقط در صورتی که حق عزل متولی برای او ضمن عقد وقف شرط شده باشد، می تواند متولی منصوب را عزل کند، خیانت متولی برای واقف حق عزل ایجاد نمی کند.

نادرست بودن گزینه ب به این دلیل است که طبق ماده ۸۳ قانون مدنی اگر مباشرت متولی در اداره وقف شرط شده باشد متولی نمی تواند وکیل بگیرد.

گزینه ج به این دلیل نادرست است که فرقی بین فرضی که متولیان متعدد باید به اجتماع وقف را اداره کنند و فرضی که هر یک به استقلال اختیار عمل دارند قابل نشده است. طبق ماده ۷۷ قانون مدنی وقتی که متولیان متعدد به استقلال اختیار عمل دارند با فوت یکی از آنها دیگری از اداره مال موقوفه ممنوع نمی شود و مستقلاً حق اقدام دارد، منتها اگر متولیان متعدد به اجتماع اختیار تولیت داشته باشند، با فوت یکی از آنها دیگری از اداره وقف ممنوع می شود تا حاکم شخص دیگری را به عنوان امین به او ضمیمه کند.

۳- گزینه «ب» صحیح است. طبق ماده ۱۸۸ قانون مدنی

۴- گزینه «ب» صحیح است.

محمد که نخستین متصرف اتومبیل است اختیار فروش مال و به تبع تسلیم آن به غیر را نداشته است؛ در نتیجه اقدام او به فروش و تحویل مال به غیر از مصادیق تعدی است. طبق ماده ۹۵۱ قانون مدنی: «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» بر اساس ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم است از تفریط و تعدی.

ید محمد نسبت به اتومبیلی که برای تعمیر به او سپرده شده، در ابتدا امانی بوده چون به عنوان اجیر اتومبیل را جهت تعمیر تصرف کرده است و ید اجیر نسبت به مالی که برای انجام کار به او سپرده می شود، امانی است. اقدام به فروش مال سبب خارج شدن امین از حدود اذن است و به محض وقوع این تعدی ید او نسبت به مال ضمانی می شود و در حکم غاصب است، لذا وقتی اتومبیل به خریدار تسلیم شده ید محمد نسبت به آن ضمانی بوده و با این وضعیت مال را به تصرف غیر داده است. با توجه به این که محمد برای فروش اتومبیل اختیار و نیابت نداشته، بیع مورد نظر فضولی و غیر نافذ است که با رد آن توسط مالک باطل شده است؛ در نتیجه تصرف خریدار نیز نسبت به مال ضمانی است و مشمول ماده ۲۶۱ قانون مدنی قرار می گیرد. طبق ماده ۲۶۱ قانون مدنی: «در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود، هرگاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است اگرچه منافع را استیفا نکرده باشد و همچنین است نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد.»

با توجه به نکات فوق مالک اتومبیل می تواند به دلیل ضمانی بودن ید هر دو متصرف بدل مال را از هر یک از آنها مطالبه کند، اگر ید اشخاص نسبت به مال ضمانی باشد بر اساس مواد ۳۱۱ و ۳۱۵ قانون مدنی متصرف باید خسارات مال را جبران کند حتی اگر خسارت در اثر حادثه خارجی وارد گردد.

البته در تنظیم گزینه ب این پرسش مسامحه وقوع یافته است و فرض شده که مال مورد نظر قیمی است در حالی که اتومبیل ممکن است مثلی باشد که در این صورت متصرفان باید مثل آنرا به مالک تادیه کنند.

۵- گزینه «ج» صحیح است.

برای رسیدن به پاسخ درست این پرسش باید به مقدمات و مستندات زیر توجه شود:

۱- تحصیل تابعیت خارجی توسط ایرانیان ممکن است با رعایت شرایط مقرر در قانون مدنی یا بدون رعایت این شرایط صورت گیرد. شرایط لازم برای ترک تابعیت ایرانی و تحصیل تابعیت خارجی در ماده ۹۸۸ قانون مدنی بیان شده است، یکی از شرایط لازم برای خارج شدن از تابعیت ایرانی طبق این ماده موافقت هیات وزرا با خروج از تابعیت ایران است.

اگر ترک تابعیت با رعایت شرایط مقرر در این ماده انجام شود، تابعیت ایرانی شخص زایل می شود و او به صورت قانونی و معتبر تابعیت کشور دیگری را تحصیل می کند.

چنانچه ترک تابعیت ایران بدون رعایت شرایط مقرر صورت گرفته باشد، طبق ماده ۹۸۹ قانون مدنی تابعیت خارجی شخص کان لم یکن است و همچنان این شخص تابع ایران محسوب می شود، منتها طبق ماده فوق در این حالت تحصیل کننده تابعیت خارجی باید تمام اموال غیر منقول خود را با نظارت دادستان بفروشد و افزون بر این از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی ممنوع است.

ماده ۹۸۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود... چنانکه ملاحظه می شود در این ماده حکم مقرر عطف به ماسبق شده و ترک تابعیت های صورت گرفته از سال ۱۲۸۰ شمسی مشمول حکم مقرر قرار گرفته اند، ظاهراً دلیل تعیین سال فوق به عنوان مبدا اجرای حکم آن است که در سال مقرر تعداد زیادی از ایرانیان تابعیت ایران را ترک و به هندوستان هجرت کرده اند و تابعیت آنجا را تحصیل نموده اند، قانونگذار به این ترتیب به ترک تابعیت توسط آنها بدون این که منطبق با شرایط ماده ۹۸۸ قانون مدنی باشد، اعتبار داده است.

۲- اگر تحصیل تابعیت خارجی بدون رعایت شرایط ماده ۹۸۸ قانون مدنی و بدون جلب موافقت هیات وزرا صورت گیرد، منتها بعد از تحصیل تابعیت بیگانه هیات وزرا با تابعیت خارجی شخص موافقت کند و آن را به رسمیت شناسد، تابعیت ایرانی او زایل می شود و تابعیت خارجی معتبر است. طبق تبصره الحاق شده به ماده ۹۸۹ قانون مدنی (۱۳۳۷): «هیات وزیران می تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد، به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه، اجازه ورود به ایران یا اقامت می توان داد.»

با توجه به نکات فوق، نادرست بودن گزینه الف به این دلیل است که فرقی بین تحصیل تابعیت خارجی توسط ایرانیان با رعایت شرایط قانونی و تحصیل تابعیت خارجی بدون رعایت شرایط قانونی قایل نشده و در هر صورت تحصیل تابعیت خارجی را موجب زوال تابعیت ایرانی شخص می داند.

گزینه ب هیچ مستندی در قانون مدنی ندارد.

گزینه د به این دلیل نادرست است که اشتغال اشخاصی را که تابعیت غیر ایرانی تحصیل کرده اند به مشاغل دولتی جز مشاغلی که در این گزینه استثناء شده اند، مجاز می داند در حالی طبق ماده ۹۸۹ قانون مدنی اشخاصی که بدون رعایت شرایط قانونی تابعیت خارجی تحصیل کرده اند از اشتغال به هر شغل دولتی در ایران ممنوع هستند.

۶- گزینه «الف» صحیح است.

اصولا مطالبه انجام تعهد از متعهد در حقوق ایران برای مسئولیت قراردادی شرط نیست، متعهد باید با رسیدن موعد اجرا، تعهد را اجرا کند و مجاز نیست اجرا را به مطالبه از سوی متعهدله موکول کند؛ در نتیجه اگر با وجود رسیدن موعد اجرا متعهد از انجام تعهد امتناع ورزد، مسئول جبران خسارات ناشی از عدم انجام تعهد است؛ حتی اگر متعهدله اجرای تعهد را طلب نکرده باشد، با وجود این در تعهدات پولی طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مطالبه طلب توسط یستانکار یکی از شرایط لازم برای مسئولیت قراردادی بدهکار است. با توضیح فوق ایراد گزینه ب روشن است. دلیل نادرست بودن گزینه ج آن است که در مطلق تعهدات اعم از پولی و غیر پولی نفس انقضای موعد اجرای تعهد را برای مسئولیت قراردادی کافی می داند در حالی که در تعهدات پولی افزون بر انقضای مهلت اجرای تعهد، مطالبه طلب از بدهکار برای مسئولیت قراردادی شرط است.

گزینه د به این دلیل نادرست است که تمکن مالی متعهد را در همه تعهدات مالی برای مسئولیت قراردادی شرط دانسته است در حالی که طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی تمکن مالی متعهد برای اجرای تعهد در تعهدات پولی شرط مسئولیت قراردادی است نه همه تعهدات مالی.

۷- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۵۸۷ قانون مدنی

۸- گزینه «ج» صحیح است.

طبق ماده ۵۳۳ قانون مدنی: «در صورتی که مضاربه مطلق باشد یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد عامل می تواند هر قسم تجارتي را که صلاح بداند بنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند.»

نادرست بودن گزینه الف به دلیل مخالفت آن با حکم ماده ۵۵۵ قانون مدنی است، طبق این ماده: «مضارب... اگر اعمالی را که بر طبق عرف بایستی به اجیر رجوع کند خود شخصا انجام دهد مستحق اجرت آن نخواهد بود.»

گزینه ب به دلیل مخالفت با ماده ۵۵۴ قانون مدنی نادرست است. طبق این ماده: «مضارب نمی تواند نسبت به همان سرمایه با دیگری مضاربه کند یا آن را به غیر واگذار نماید مگر به اجازه مالک.»

گزینه د به دلیل مخالفت با حکم ماده ۵۵۶ قانون مدنی نادرست است. طبق این ماده: «مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمی شود مگر در صورت تفریط یا تعدی.»

۹- گزینه «د» صحیح است.

در فرض مورد پرسش مبیع به صورت عین معین معامله شده است در نتیجه اگر معیب باشد برای خریدار اختیار عیب ایجاد می شود. در فروش مقرر به موجب گزینه های الف، ب و ج به استناد ماده ۴۲۹ قانون مدنی خریدار حق فسخ ندارد و فقط می تواند ارش مطالبه کند، منتها در فرض مقرر به موجب گزینه د، طبق قاعده مندرج در ماده ۴۲۲ قانون مدنی مشتری در فسخ بیع یا مطالبه ارش مخیر است.

۱۰- گزینه «الف» صحیح است.

در فرض مورد پرسش مبیع عین معین است و رفع ابهام با رؤیت نمونه حاصل شده است. در این وضعیت طبق ماده ۳۵۴ قانون مدنی مشتری به دلیل عدم مطابقت مبیع با نمونه خیار فسخ خواهد داشت.

گزینه ب به این دلیل نادرست است که حق مطالبه ارش طبق ۴۲۲ قانون مدنی به خیار عیب اختصاص دارد، نفس عدم مطابقت مبیع با نمونه به معنای معیب بودن مبیع نیست تا حق مطالبه ارش برای مشتری ایجاد شود.

گزینه ج به این دلیل نادرست که الزام فروشنده به تسلیم مبیع طبق نمونه در بیع کلی امکان پذیر است اگر مبیع عین معین باشد و معلوم گردد منطبق با نمونه نیست مشتری نمی تواند الزام فروشنده به تسلیم مصداق دیگر را بخواهد.

گزینه د به این دلیل نادرست است که قانون مدنی در فرض مورد پرسش برای خریدار فقط حق فسخ مقرر کرده است، حق مطالبه خسارت به دلیل عدم مطابقت مبیع معین با نمونه به سود مشتری مقرر نشده است.

۱۱- گزینه «الف» صحیح است.

طبق ماده ۶۹۹ قانون مدنی گزینه الف درست است. موارد مذکور در گزینه های ب و ج مصداق تعلیق ضمان به شرایط صحت آن هستند، که اصطلاحاً تعلیق صوری نامیده شده اند. طبق ماده ۷۰۰ قانون مدنی: «تعلیق ضمان به شرایط صحت آن مثل این که ضامن قید کند که اگر مضمون عنه مدیون باشد من ضامنم موجب بطلان آن نمی شود.»

گزینه د به دلیل مخالفت با حکم قسمت اخیر ماده ۶۹۹ قانون مدنی نادرست است، که مقرر می دارد: «...التزام به تادیه ممکن است معلق باشد.»

۱۲- گزینه «ج» صحیح است.

طبق ماده ۶۸۰ قانون مدنی گزینه ج درست است.

این ماده مقرر می دارد: «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.» نادرست بودن گزینه الف به دلیل مخالفت آن با ماده ۶۸۱ قانون مدنی است.

ارسال نامه عزل به وکیل موجب عدم نفوذ اقداماتی نمی شود که وکیل قبل از اطلاع از خبر عزل در حدود اختیار انجام داده است، با این توضیح دلیل نادرست بودن گزینه ب روشن است. نادرست بودن گزینه د به این دلیل است که وقتی وکیل در مسافرت است رسیدن نامه به اقامتگاه او اماره قضایی بر اطلاع او از مفاد نامه عزل نیست، اگر وکیل در اقامتگاه خود مقیم باشد، طبق نظر غالب در دکترین حقوقی رسیدن نامه به نشانی اقامتگاه اماره قضایی بر اطلاع وکیل از مفاد نامه عزل است؛ در نتیجه وکیل باید خلاف این اماره قضایی و عدم اطلاع خود را اثبات کند.

۱۳- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۴۹۶ قانون مدنی

۱۴- گزینه «ج» صحیح است. طبق ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

۱۵- گزینه «الف» صحیح است. طبق مواد ۳۲۱ و ۳۲۲ قانون مدنی

۱۶- گزینه «ب» صحیح است.

طبق ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی گزینه ب درست است. نادرست بودن گزینه الف به دلیل مخالفت آن با ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی است؛ طبق این ماده عده فسخ نکاح در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است.

نادرست بودن گزینه ج به دلیل مخالفت آن با ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی است. طبق این ماده زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد نه عده فسخ نکاح

نادرست بودن گزینه د به دلیل مخالفت آن با ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی است؛ طبق این ماده عده فسخ نکاح در مورد زنی که با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند سه ماه است.

۱۷- گزینه «ب» صحیح است. طبق ماده ۸۳۰ قانون مدنی

۱۸- گزینه «الف» صحیح است.

اقرار مندرج در این گزینه از نوع اقرار مرکب است، اقرار مرکب طبق ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی به اقراری گفته می شود که دارای دو جزء مختلف الاثر است که ارتباط تامی با یکدیگر دارند؛ به عبارت دیگر اقرار مرکب اقراری است همراه با یک ادعا در ارتباط با موضوع اقرار؛ مثل آنچه در گزینه الف درج شده است. اقرار مرکب قابل تجزیه است به این معنا که جزء اقرار به سود مقررله واجد اثر می شود و مقررله می تواند به آن استناد کند و جزئی را که متضمن ادعا است مقرر باید اثبات کند. اگر مقرر نتواند ادعای متصل به اقرار را اثبات کند، می تواند با استناد به مواد ۱۲۸۳ و ۱۳۳۴ قانون مدنی از طرف مقابل در خصوص ادعای همراه با اقرار سوگند تقاضا کند.

ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند؛ مثل این که مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.»

طبق ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی: «در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می تواند نسبت به آنچه که مورد ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند، مگر این که مدرک دعوای مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است.»

اقرار های مندرج در گزینه های ب، ج و د از نوع اقرار موصوف یا مقید هستند، اقرار مقید قابل تجزیه نیست، طبق ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی: «اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد، مقررله نمی تواند آن را تجزیه کرده و از قسمتی از آن که به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.»

۱۹- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۹۳۶ قانون مدنی

۲۰- گزینه «ب» صحیح است.

طبق قاعده مندرج در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.» در این ماده تفاوتی بین صغیر ممیز و صغیر غیر ممیز وجود ندارد.

طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران خسارات وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد...»

چنانکه در ماده فوق تصریح شده است، مسئولیت سرپرست صغیر یا مجنون برای جبران خساراتی که محجور به غیر وارد کرده است، مبتنی بر تقصیر است؛ بنابراین وقتی مسئولیت جبران زیان به عهده سرپرست قرار می گیرد که در نگهداری و مواظبت مرتکب تقصیر شده باشد و تقصیر او اثبات گردد، در فرض مورد پرسش اشاره به وقوع یا عدم وقوع تقصیر از جانب سرپرست در نگهداری محجور نشده است؛ در نتیجه پاسخ پرسش باید بر اساس قاعده مندرج در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ارایه گردد.

با توجه به مطالب فوق نادرست بودن گزینه الف به این دلیل است که اصولاً والدین محجور را مسئول جبران خسارت ناشی از اعمال محجور می داند، مگر این که عدم تقصیر آنها اثبات گردد در حالی که طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت والدین در ارتباط با خسارات ناشی از اعمال صغیر یا مجنون منوط به اثبات تقصیر آنها در نگهداری محجور است.

نادرست بودن گزینه ج به این دلیل است که بدون توجه به وقوع یا عدم وقوع تقصیر از جانب والدین صغیر یا مهد کودک، در نگهداری محجور برای آنها مسئولیت تضامنی در جبران خسارت پیش بینی کرده است.

گزینه د به این دلیل نادرست که بر خلاف حکم ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مهد کودک را در هر حال مسئول جبران خسارات ناشی از اقدامات محجور می داند.

آیین دادرسی مدنی (دکتر عمروانی)**۲۱- گزینه «الف» صحیح است.**

به استناد ماده ۱۱۱ ق.آ.د.م- توجه: آنچه معادل ماده ۳۱۲ ق.آ.د.م که در مبحث دستور موقت وجود دارد، در مبحث تأمین خواسته وجود نداشته و تأمین خواسته در هر حال در صلاحیت دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. ر.ک تفاوت سوم از چارت شماره ۳۵ نکته و تست یا انتهای کتاب مجموعه تست های آیین دادرسی مدنی دکتر عمروانی

۲۲- گزینه «د» صحیح است.

به استناد قسمت دوم ماده ۱۳۳۱ قانون مدنی، ماده مذکور بیان می دارد: «قسم قاطع دعوا است و هیچگونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.» گزینه های ۱ و ۲ از آن جهت اشتباه هستند که موضوعاً خارج از سوال بوده و به سوگند استظهاری اشاره دارد، در حالی که موضوع سوال سوگند بتی است.

۲۳- گزینه «ج» صحیح است.

منظور از رأی نهایی رأی است که غیرقابل فرجام باشد. اعم از اینکه از ابتدا و در زمان صدور غیرقابل فرجام بوده و یا آنکه ابتدا قابل فرجام بوده، لکن با انقضای فرجام و عدم فرجام خواهی در مهلت مقرر نهایی شده باشد و یا آن که در صورت فرجام خواهی از آن، دیوان عالی کشور آن را ابرام نموده باشد. ر.ک توضیحات ذیل چارت شماره ۲۰ - انتهای کتاب مجموعه تست های آیین دادرسی مدنی دکتر عمروانی

۲۴- گزینه «ج» صحیح است.

به استناد ماده ۳۱۹ ق.آ.د.م- ر.ک تفاوت دوم از چارت شماره ۳۵- مشابه سوال ۷۶ نکته و تست

۲۵- گزینه «الف» صحیح است.

زیرا شخص محجور خواهان و ذینفع بوده و شخص قیم یا ولی نماینده محجور محسوب می شوند. بنابراین در ستون خواهان در دادخواست باید نام محجور و در ستون وکیل یا نماینده قانونی باید نام قیم یا ولی نوشته شود.

۲۶- گزینه «ب» صحیح است.

به استناد ماده ۴۴۸ ق.آ.د.م- مشابه سوال ۹۰ نکته و تست

۲۷- گزینه «د» صحیح است.

علی رغم ظاهر ماده ۴۲۲ ق.آ.د.م، لکن اعتراض ثالث فاقد مهلت است، حتی اگر شخص ثالث از دادرسی منتهی به صدور رأی معترض عنه آگاه بوده باشد.

۲۸- گزینه «ب» صحیح است.

به استناد مواد ۱۷۵ و ۱۶۴ ق.آ.د.م (به طور نسبی در تست ۸۰ نکته و تست بیان شده است).

۲۹- گزینه «ج» صحیح است.

به استناد ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م

۳۰- گزینه «الف» صحیح است.

انتهای ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مهریه غیرمنقول را مشمول ماده مذکور ندانسته و لذا باید به اصول و قواعد کلی صلاحیت یعنی در موضوع سوال به ماده ۱۲ ق.آ.د.م مراجعه شود. بررسی شده در ذیل تست شماره ۹ نکته و تست- توجه آنکه در خصوص صلاحیت دادگاه برای دعوای مهریه به سه شکل ممکن است سوال طرح شود که آنها را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت. به عبارتی در بحث صلاحیت سه دعوای مهریه، مهرالمثل و مهریه غیرمنقول را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت.

۳۱- گزینه «د» صحیح است.

به استناد مواد ۳۵ و ۳۶ ق.آ.د.م بررسی شده در تست شماره ۲۱ نکته و تست

۳۲- گزینه «ب» صحیح است.

در دعوای غیرمنقول بهای خواسته تعیین شده توسط خواهان تنها از حیث قابلیت تجدیدنظر خواهی موثر است. ر.ک توضیحات ذیل چارت ۱۲ نکته و تست یا چاپ چهارم کتاب

۳۳- گزینه «الف» صحیح است.

به استناد ماده ۱۴۰ و همچنین مستنبط از جمع مواد ۱۳۰ و ۱۴۰ ق.آ.د.م

۳۴- گزینه «د» صحیح است.

به استناد ماده ۹۴ قانون اجرای احکام مدنی

۳۵- گزینه «ب» صحیح است.

به استناد انتهای ماده ۴۳۸ ق.آ.د.م مشابه سوال ۶۹ نکته و تست

۳۶- گزینه «ج» صحیح است. به استناد ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م- مشابه سوال ۴۲ نکته و تست. ر.ک چارت ۱۹ و ۲۱ - انتهای کتاب مجموعه

تست های آیین دادرسی مدنی دکتر عمرانی

۳۷- گزینه «ب» صحیح است.

به استناد ماده ۴۳۴ ق.آ.د.م. بررسی شده در تست های ۶۸ و ۷۱ و ۷۲ نکته و تست

۳۸- گزینه «د» صحیح است.

به استناد اطلاق ماده ۴۷۲ ق.آ.د.م- مشابه تست ۹۷ نکته و تست

۳۹- گزینه «الف» صحیح است.

به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

۴۰- گزینه «ج» صحیح است.

به استناد ماده ۷۵ قانون دیوان عدالت اداری

حقوق تجارت (دکتر قربانی)

۴۱- طبق بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت گزینه «ج» صحیح است.

عمل مذکور در پرسش مورد بحث از اعمال تجارتهای تبعی و مشمول بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت است. طبق این بند کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک ها، بطور تبعی تجارتهای است. در فرض موضوع پرسش هر دو طرف قرارداد تاجر هستند، خرده فروش بودن فروشنده لوازم خانگی نافذ تاجر بودن او نیست، شغل معمول خرده فروش لوازم خانگی، خرید مال منقول به قصد فروش است، تحت شمول بند ۱ ماده ۱ قانون تجارت قرار می گیرد و به این اعتبار تاجر است. نفس این که فروشنده خرده فروشی می کند سبب نمی شود او در گروه کسبه جزء قرار گیرد؛ اگر درآمد سالانه خرده فروش لوازم خانگی بیش از ده میلیون تومان باشد که معمولاً این گونه است، فروشنده تاجر کسب عمده قلمداد خواهد شد، حتی اگر در فرض مورد پرسش خرده فروش را از کسبه جزء بدانیم، قرار داد منعقد شده از عقود است که طرفین آن تاجر هستند و در نتیجه مشمول بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت قرار می گیرد. هرگاه هر دو طرف قرارداد تاجر باشند

بدون توجه به انگیزه طرفین در انعقاد قرارداد، عمل انشاء شده بطور تبعی تجارتي محسوب می شود، انگیزه انعقاد عقد در صورتی مؤثر است که طبق بند ۲ ماده ۳ قانون تجارت یکی از طرفین قرارداد تاجر و دیگری غیر تاجر باشد. دخالت دادن انگیزه انعقاد عقد برای تجاری محسوب کردن عقدی که هر دو طرف آن تاجر هستند، اجتهاد در برابر نص بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت است و بویژه با لحاظ حکم مندرج در بند ۲ این ماده به هیچ وجه پذیرفته نیست.

۴۲- گزینه «د» صحیح است.

گزینه د درست است. طبق نظر غالب در دکترین حقوقی هرگاه متصدی حمل و نقل طرف قرارداد با ارسال کننده، حمل را به شخص دیگری بسپارد و در اثر تقصیر شخصی که مامور به حمل شده است محموله خسارت ببیند، متصدی حمل و نقل طرف قرارداد با ارسال کننده و شخص مامور به حمل مسئولیت تضامنی برای جبران زیان دارند، مسئولیت متصدی حمل و نقل طرف قرارداد با ارسال کننده به ماده ۳۸۸ قانون تجارت مستند است و مسئولیت شخص مامور به حمل بر اساس حکم ماده ۳۳۱ قانون مدنی و قاعده تسبیب توجیه شده است. (رجوع شود به کتاب حقوق مدنی؛ الزام های خارج از قرارداد؛ ضمان قهری، نوشته مرحوم استاد ناصر کاتوزیان، ص ۴۴۷ شماره ۲۵۹ و کتاب مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، نوشته دکتر سید حسین صفایی و دکتر حبیب الله رحیمی، صص ۳۰۱ و ۳۰۲، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۱)

۴۳- گزینه «ب» صحیح است. طبق ماده ۱۳۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷

۴۴- گزینه «ب» صحیح است.

نظر به این که در فرض مورد پرسش حد نصاب لازم برای رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی حاصل نشده، جلسه رسمیت نیافته است و هر ذینفع می تواند به استناد ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اعلام بطلان تصمیم مجمع عمومی عادی را از دادگاه تقاضا کند، منتها با لحاظ حکم ماده ۱۳۵ لایحه قانونی کلیه اعمال و اقدامات این مدیران در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است.

۴۵- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۲ قانون صدور چک

۴۶- گزینه «ج» صحیح است. طبق ماده ۳ مکرر قانون صدور چک

۴۷- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۲۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴

۴۸- گزینه «ب» صحیح است.

طبق ماده ۸۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در شرکت سهامی خاص ارزیابی آورده غیر نقد باید با نظر کارشناس رسمی دادگستری صورت گیرد. در شرکت با مسئولیت محدود بر اساس ملاک ماده ۱۲۲ قانون تجارت ارزیابی آورده غیر نقد با موافقت همه مؤسسين شرکت انجام می شود جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری لازم نیست.

۴۹- گزینه «الف» صحیح است. طبق ماده ۱۲۵ قانون تجارت

۵۰- گزینه «ج» صحیح است.

آورده مؤسسين شرکت تجارتي باید مال باشد، نفوذ سیاسی مالیت ندارد؛ در نتیجه نمی تواند به عنوان آورده غیر نقد مؤسسين شرکت با مسئولیت محدود ارایه گردد.

۵۱- گزینه «الف» صحیح است. طبق ماده ۱۳۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷

۵۲- گزینه «ج» صحیح است. طبق ماده ۱۹ قانون صدور چک

۵۳- گزینه «ج» صحیح است. طبق ماده ۴۱۶ قانون تجارت

۵۴- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴

۵۵- گزینه «ب» صحیح است. طبق ماده ۱۴۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ و ماده ۱۱۳ قانون تجارت

۵۶- گزینه «الف» صحیح است. طبق ماده ۱۰۷ لایحه قانونی و ماده ۱۰۵ قانون تجارت

۵۷- گزینه «ج» صحیح است. طبق ماده ۴۲۳ قانون تجارت

۵۸- گزینه «ب» صحیح است.

نظر به این که برات باید در وجه و به حواله کرد شخص معین صادر گردد، نخستین انتقال برات باید با ظهنویسی صورت گیرد و از طریق قبض و اقباض میسر نیست، منتها اگر چک در وجه حامل صادر شده باشد نخستین انتقال آن هم با قبض و اقباض میسر است. اگر برات یک مرتبه با ظهن نویسی در وجه حامل انتقال یابد، انتقال های بعدی آن با قبض و اقباض سند امکان پذیر می شود.

۵۹- گزینه «د» صحیح است. طبق ماده ۵۰۰ قانون تجارت

۶۰- گزینه «الف» صحیح است.

مسئولیت تضامنی ظهرنویسی برای پرداخت وجه سند تجاری از آثار اطلاق قرارداد ظهرنویسی است، اثر ذاتی آن محسوب نمی شود، در نتیجه ظهرنویس می تواند هنگام ظهرنویسی شرط کند که مسئولیت تضامنی برای پرداخت وجه سند ندارد، این شرط نافذ و معتبر است و با توجه به این که هیچ حکمی در قانون تجارت یا قانون صدور چک مبنی بر عدم امکان سلب مسئولیت تضامنی ظهرنویس در پرداخت وجه سند تجاری وجود ندارد، به استناد ماده ۲۳۲ قانون مدنی باید شرط را نافذ و معتبر دانست، شروط باطل در ماده ۲۳۲ قانون مدنی بیان شده اند، طبق این ماده شروط باطل عبارتند از: شروط نامقدور، بی فایده و نامشروع. شرط سلب کننده مسئولیت تضامنی ظهرنویس در پرداخت وجه سند، نه نامقدور است، نه بی فایده و نه نامشروع. این که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت برای ظهرنویس سند تجاری مسئولیت تضامنی در پرداخت وجه سند مقرر شده است به هیچ وجه بر عدم امکان سلب مسئولیت پرداخت وجه سند از عهده ظهرنویس و نامشروع بودن چنین شرطی دلالت ندارد، با توجه به این که شرط عدم مسئولیت تضامنی ظهر نویس برای پرداخت وجه، در خود سند نوشته می شود و در پرسش حاضر نیز تصریح شده که محل درج شرط مورد بحث خود چک است، دارنده غیر مستقیم نمی تواند عدم اطلاع از شرط را ادعا کند و نسبت به آن عالم است؛ بنابراین شرط در برابر دارنده مستقیم و غیر مستقیم هر دو قابل استناد است.

اصول استنباط حقوق اسلامی (استاد بنی صدر)

۶۱- گزینه «ج» صحیح است.

گزینه های ۱ و ۲ و ۴ دربردارنده حکم وضعی شرطیت هستند که از احکام وضعی به شمار می رود ولی حکم گزینه ۳ وجوب تکلیفی است.

۶۲- گزینه های «ج» و «د» صحیح هستند.

گزینه های ۱ و ۲ دربردارنده حکم تکلیفی وجوب هستند. حکم گزینه ۳ نیز فساد است که از احکام وضعی محسوب می شود. حکم گزینه ۴ نیز ولایت است که از احکام وضعی است. لذا در این سوال احتمالاً به دلیل بی دقتی طراح محترم دو گزینه صحیح وجود دارد. ظاهراً طراح سوال تصور نموده که نهی موجود در گزینه ۳ دال بر حرمت (از احکام تکلیفی) است؛ غافل از آنکه ضمانت اجرای تخلف از این نهی، فساد عمل انجام شده است و فساد از احکام وضعی است. البته پیش بینی می شود در کلید نهایی گزینه ۴ به عنوان پاسخ صحیح معرفی خواهد شد.

۶۳- گزینه «ب» و «د» صحیح هستند.

در گزینه ۲ عبارت «که خالی از موانع نکاح باشد» جمله وصفیه تخصیصیه است چراکه این جمله مسبوق به اسم نکره و موصول است. در گزینه ۴ نیز عبارت «به قصد به دست آوردن اموال تاریخی و فرهنگی» کارکرد وصفی داشته و در مقام توصیف و تخصیص ماقبل است. لذا در این سوال نیز احتمالاً به دلیل سهو و بی دقتی طراح محترم دو گزینه صحیح وجود دارد. البته با توجه به اینکه ظهور گزینه ۲ در وصف بیشتر است احتمال می رود گزینه ۲ به عنوان پاسخ صحیح در کلید نهایی معرفی شود.

۶۴- گزینه «د» صحیح است.

با توجه به اینکه مسلمه وصف تقییدی نکاح است دارای مفهوم است. وصف مندرج در گزینه های ۱ و ۳ غیر تقییدی است لذا مفهوم مخالف ندارد. در گزینه ۲ نیز اساساً وصفی وجود ندارد.

۶۵- گزینه «ب» صحیح است.

مطابق ماده ۱۳۲۲ ق.م: «امارات قانونی، اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده، مثل امارات مذکور در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ...». این ماده قانونی نیز از جمله مواردی است که قانونگذار آن را دلیل بر امری قرار داده است لذا باید یک اماره قانونی باشد. ممکن است تصور شود این ماده قانونی مستند به اصل استصحاب است که از اصول عملیه است. این پندار صحیح نیست چراکه اگر حکم ماده ناظر به استرداد یا عدم استرداد مورد عاریه و ودیعه باشد می توان به استصحاب استناد کرد ولی فعلاً بحث در خصوص انکار است و ظهور واقعه جایی برای اجرای اصل نمی گذارد.

۶۶- گزینه «د» صحیح است.

استصحاب قهقری حجیت ندارد. استثنای این مساله ظهور الفاظ است که در این صورت استصحاب قهقری حجیت دارد.

۶۷- گزینه «ب» صحیح است.

مستند به نص ماده ۸۱۶ قانون مدنی اخذ به شفعه هر معامله ای را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت به مورد شفعه نموده باشد، باطل می نماید. لذا اگر اقاله را معامله دانسته و به حکم اصله العموم تحت حکم این قاعده فرض کنیم، تفاوتی ندارد که اخذ به شفعه قبل از آن رخ داده باشد یا پس از آن؛ چراکه به نص ماده مذکور در هر حال تقدم با شفیع است. برای پاسخ به این سوال (اگرچه این سوال در سوالات اصول فقه مطرح شده) تسلط بر مفاد ماده ۸۱۶ ق.م. ضروری است، لذا طرح این سوال در بخش سوالات حقوق مدنی مناسبت بیشتری دارد تا در بخش سوالات اصول فقه.

۶۸- گزینه «ج» صحیح است.

در اصل ۳۶ فقط به قانون به عنوان منبعی برای صدور حکم اشاره شده است؛ در حالی که در اصل ۱۶۷ منابع صدور حکم توسعه یافته و منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر نیز بدان افزوده شده است. می دانیم که از بین چهار گزینه مذکور تنها حکومت است که به مقتضای آن یک دلیل می تواند دلیل دیگر را توسعه دهد.

۶۹- گزینه «ب» صحیح است.

به استناد تعریف و توضیح ارائه شده در کتاب مبانی استنباط حقوق اسلامی، در خصوص اصله الاباحه اولاً این اصل موجب حکم واقعی بوده و ثانیاً به شبهات تحریمی اختصاص دارد.

۷۰- گزینه «د» صحیح است.

با توجه به اینکه فقط گزینه ۴ دلیل لفظی محسوب می شود و سایر گزینه ها دلیل عقلی هستند لذا باید اصول لفظیه را فقط در گزینه ۴ جاری دانست.

۷۱- گزینه های «الف» و «ب» صحیح هستند.

تصور کنید شخصی یک خودروی سواری را در دو زمان به دو نفر فروخته است، در این صورت مالک خودرو، کسی است که زودتر معامله کرده باشد. اگر تاریخ یکی از معاملات معلوم و تاریخ معامله دیگر مجهول باشد، معامله معلوم، مقدم فرض شده و معامله مقدم صحیح خواهد بود و متقابلاً معامله مجهول که موخر فرض شده باطل دانسته می شود. احتمالاً سهو و بی دقتی طراح محترم در طرح این سوال موجب ایجاد دو گزینه صحیح شده است.

۷۲- گزینه «الف» صحیح است.

دلالت تنبیه دلالتی است که بواسطه آن از قیدی که در جمله موجود است به علت حکم قانونی علم حاصل شود. در این ماده قانونی از عبارت «که هنوز سبب آن ایجاد نشده» می توان علت حکم را تشخیص داد.

۷۳- گزینه «ج» صحیح است.

برای پاسخ به این سوال توجه به دو نکته ضروری است: اول اینکه علت حکم ماده ۱۹۵ (فقدان قصد) در متن ماده مذکور است لذا باید این قیاس را منصوص العله دانست. دوم آنکه در قواعد فقه قاعده ای وجود دارد که حکم می کند «عمد الصبی خطا» به مقتضای این قاعده روشن می شود که شارع مقدس اساساً اعمال صغیر غیرممیز را فاقد قصد تلقی نموده، در نتیجه به قیاس صغیر ممیز با افراد فاقد قصد می توان حکم به بطلان عقد وی داد. برای پاسخ به این سوال علاوه بر آشنایی با موازین علم اصول فقه ضروری است با قاعده «عمد الصبی خطا» در علم قواعد فقه نیز آشنا بود.

۷۴- گزینه «الف» صحیح است.

شرط مندرج در گزینه ۱ شرط سالبه به انتفاء موضوع است لذا مفهوم ندارد.

۷۵- گزینه «ب» صحیح است.

گزینه ۲ دارای مفهوم وصف تقییدی است. ممکن است تصور شود از گزینه ۴ می توان مفهوم وصف گرفت ولی باید دقت شود که اگرچه از وصف «شوهر دار» می توان مفهوم گرفت ولی از وصف «رجعیه» نمی توان مفهوم گرفت، چراکه وصف تقییدی نیست.

۷۶- گزینه «ب» صحیح است.

به نظر مرحوم مظفر دلالت بر انحصار سببیت به واسطه اطلاق است و نه وضع. لذا برای پاسخ به این سوال داوطلبان گرامی باید نسبت به مطالب مطروحه در کتاب اصول فقه مرحوم مظفر احاطه داشتند.

۷۷- گزینه «الف» صحیح است.

تنها در صورت جمع این دو شرط امکان استعمال یک لفظ در معنای مجازی وجود دارد.

۷۸- گزینه «د» صحیح است.

به نظر مرحوم مظفر مقصود از شک در استصحاب عدم ظن معتبر است که شامل شک و ظن غیر معتبر می‌گردد. لذا برای پاسخ به این سوال داوطلبان گرامی باید نسبت به مطالب مطروحه در کتاب اصول فقه مرحوم مظفر احاطه داشتند.

۷۹- گزینه «د» صحیح است.

بنابراصل عدم حکم می‌شود به عدم قید بودن زمان در قرارداد واقع شده. بنابراین مطابق موازین حقوق مدنی اگر زمان قید نباشد، بلکه ظرف تعهد باشد متعهدله می‌تواند هم الزام متعهد به انجام تعهد و هم خسارت تاخیر در انجام تعهد را مطالبه نماید. برای پاسخ به این سوال (اگرچه این سوال در سوالات اصول فقه مطرح شده) تسلط بر چند قاعده از قواعد حقوق مدنی ضروری است، لذا طرح این سوال در بخش سوالات حقوق مدنی مناسبت بیشتری دارد تا در بخش سوالات اصول فقه.

۸۰- گزینه «د» صحیح است.

چراکه با وجود استصحاب اساساً موضوع تخییر از بین می‌رود و ورود هم دقیقاً همین اقتضا را دارد.

حقوق جزای عمومی و اختصاصی (دکتر رستمی)

۸۱- گزینه «الف» صحیح است. مستند به ماده ۱۲۵ ق.م.ا.

۸۲- گزینه «الف» صحیح است. مستند به ماده ۱۴۲ ق.م.ا.

۸۳- گزینه «د» صحیح است. مستند به بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا.

۸۴- گزینه «الف» صحیح است. مستند به بند ت ماده ۱۱ ق.م.ا.

۸۵- گزینه «ج» صحیح است. مستند به ماده ۱۰۳ ق.م.ا.

۸۶- گزینه «د» صحیح است. مستند به ماده ۲۱۷ ق.م.ا.

۸۷- گزینه «ب» صحیح است. مستند به ماده ۶۹ ق.م.ا.

۸۸- گزینه «الف» صحیح است. مستند به ماده ۵۴ ق.م.ا.

۸۹- گزینه «ج» صحیح است. مستند به ماده ۶۲ ق.م.ا.

۹۰- گزینه «ب» صحیح است. مستند به ماده ۵۰۳ ق.م.ا.

۹۱- گزینه «ب» صحیح است. مستند به ماده ۱۲۱ ق.م.ا.

۹۲- گزینه «ج» صحیح است. مستند به ماده ۱۲۶ ق.م.ا.

۹۳- گزینه «ج» صحیح است. مستند به تبصره ۱ ماده ۲۹۰ ق.م.ا.

۹۴- گزینه «الف» صحیح است. مستند به بند خ ماده ۳ قانون جرائم سیاسی

۹۵- گزینه «ب» صحیح است. مستند به ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸

۹۶- گزینه «الف» صحیح است. مستند به ماده ۲۵۲ ق.م.ا و تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا.

۹۷- گزینه «د» صحیح است. فاقد عنوان مجرمانه است.

۹۸- گزینه «د» صحیح است. مستند به ماده ۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

۹۹- گزینه «ب» صحیح است. مستند به بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۱۰۰- گزینه «ب» صحیح است. مستند به ماده ۸ قانون راجع به انتقال مال غیر، مصوب ۱۳۸۰

آیین دادرسی کیفری (دکتر کامفر)

۱۰۱- گزینه «ب» صحیح است. (ماده ۵۱ آ.د.ک)

مستنداً به م ۵۱ ق.آ.د.ک: " بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود."

۱۰۲- گزینه «د» صحیح است. (بند ث ماده ۴۵۰ آ.د.ک)

مستنداً به بند (ث) م ۴۵۰ ق.آ.د.ک در جرایم تعزیری شش و هفت در صورت محکومیت به حبس، دادگاه تجدید نظر مکلف است با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین دعوا و دیگر اشخاصی را که حضورشان ضروری است، احضار نماید.

۱۰۳- گزینه «الف» صحیح است. (ماده ۷۹ آ.د.ک)

مستنداً به م ۷۹ ق.آ.د.ک: " در جرایم قابل گذشت، شاکی میتواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند..."

۱۰۴- گزینه «ج» صحیح است. (رای وحدت رویه ۷۵۲)

با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۲، اختلاف میان دادگاه کیفری یک و دو از مصادیق اختلاف در صلاحیت نسبی (نه ذاتی) محسوب می‌شود و بنابراین در صورت اختلاف در صلاحیت میان دادگاه کیفری یک و دو مستقر در حوزه قضایی یک استان حل اختلاف با دادگاه تجدید نظر همان استان و در دو استان مختلف با دیوان عالی کشور است.

۱۰۵- گزینه «الف» صحیح است. (ماده ۳۸۳)

مستنداً به م ۳۸۳ ق.آ.د.ک: " در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر اینصورت قرار رسیدگی صادر می‌کند."

۱۰۶- گزینه «ب» صحیح است. (بند الف ماده ۲۷۰ و تبصره ماده ۲۴۷)

مستنداً به بند الف م ۲۷۰ و تبصره ۲ م ۲۴۷ ق.آ.د.ک قرارهای منع و موقوفی تعقیب و منع خروج از کشور صادره از دادسرا، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. اما قرار عدم صلاحیت صادره از بازپرس قطعی و غیر قابل اعتراض است.

۱۰۷- گزینه «د» صحیح است. (ماده ۱۲۱)

مستنداً به م ۱۲۱ ق.آ.د.ک: " هرگاه در اجرای نیابت قضائی، قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان محل اجرای نیابت ارسال می‌شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح محل اجرای نیابت، رسیدگی می‌شود."

۱۰۸- گزینه «ج» صحیح است. (ماده ۱۱۱)

مستنداً به م ۱۱۱ ق.آ.د.ک: " دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند."

۱۰۹- گزینه «د» صحیح است. (ماده ۳۴۱)

به صراحت م ۳۴۱ ق.آ.د.ک در تمامی مواردی که پرونده با کیفرخواست در دادگاه مطرح می‌شود، تشکیل جلسه مقدماتی از سوی قاضی الزامی است، بدین ترتیب تشکیل جلسه مزبور در مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح شده یا صدور کیفرخواست الزامی نیست، ضرورتی ندارد. با توجه به م ۸۶ ق.آ.د.ک در جرایم موضوع ماده ۳۰۲ - جز مواردی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود - صدور کیفرخواست الزامی بوده و بالتبع تشکیل جلسه مقدماتی در این موارد الزامی است. (لازم به توضیح است جرایم موضوع م ۳۰۲ در صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری یک نبوده و علاوه بر دادگاه مزبور، دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد دادرسی تشکیل می‌شود و هم چنین دادگاه نظامی یک نیز حسب مورد صلاحیت رسیدگی به جرایم مندرج در م ۳۰۲ را خواهند داشت. مانند قاچاق مواد مخدر یا جرم خاص نظامی با مجازات اعدام)

۱۱۰- گزینه «ب» صحیح است. (ماده ۴۷۶)

مستنداً به م ۴۷۶ و ۴۸۰ ق.آ.د.ک، دیوان عالی کشور صرفاً مرجع پذیرش یا رد درخواست اعاده دادرسی است و صلاحیت اظهار نظر نسبت به حکم قطعی صادره را ندارد و تأیید یا نقض حکم مزبور با دادگاه هم عرضی است که پرونده پس از پذیرش تقاضای اعاده دادرسی نزد آن فرستاده شده است.

۱۱۱- گزینه «الف» صحیح است. (ماده ۳۰ و ۶۳)

مطابق ماده ۳۰ ق.آ.د.ک: "...تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است." ضمانت اجرای این منع قانونی در م ۶۳ قانون آمده است که سه ماه تا یک سال انفسال از خدمات دولتی است.

۱۱۲- گزینه «ج» صحیح است. (تبصره ۱ ماده ۱۹۰)

با توجه به م ۱۹۰ ق.آ.د.ک در مرحله تحقیقات مقدماتی متهم می تواند یک وکیل به همراه داشته باشد و بازپرس نیز مکلف است این حق را به متهم تفهیم نماید، بر اساس تبصره ۱ ماده ۱ فوق سلب حق همراه داشتن وکیل مستوجب مجازات انتظامی درجه هشت و عدم تفهیم این حق مستوجب مجازات انتظامی درجه سه می باشد.

۱۱۳- گزینه «ج» صحیح است. (ماده ۴۰۶)

البته جا داشت که طراح محترم در صورت سوال به اشخاص مقیم ایران اشاره می نمود چرا که با عنایت به صدر م ۴۰۶ مهلت و اخواهی برای اشخاص مقیم ایران ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ واقعی است و مهلت بیست روزه صرفاً ناظر بر اشخاص مقیم ایران است که البته این اشکال با توجه به نادرست بودن سایر گزینه ها خللی به صحت سوال وارد نمی آورد. با توجه به تبصره ۲ ماده مزبور در مواردی که ابلاغ رأی به طور واقعی صورت نپذیرفته باشد، مهلت و اخواهی برای اشخاص مقیم ایران و خارج از کشور ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع است. لازم به توضیح است و اخواهی تنها شیوه ی اعتراض به آرا در آیین دادرسی کیفری است که دارای اثر عدولی می باشد و مرجع رسیدگی مجدد همان دادگاه صادرکننده حکم غیابی است.

۱۱۴- هیچ یک از گزینه ها درست نیست، زیرا در موارد مندرج در م ۴۲۰ احاله به درخواست رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور صورت می پذیرد و " ترتیبی " که طراح محترم در صورت سوال به آن اشاره کرده است در هیچ یک از گزینه ها مشاهده نمی شود. هر چند به نظر می رسد گزینه ۴ مد نظر طراح بوده و لیکن این اشکال با توجه به ضرورت رعایت " ترتیب " که در سوال به آن اشاره شده، قابل اغماض نیست.

۱۱۵- گزینه «الف» صحیح است. (تبصره ماده ۲۲۶)

مرجع صادرکننده قرار و رییس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه گذار معرفی می کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند."

۱۱۶- گزینه «ج» صحیح است. (ماده ۳۳۵)

مستنداً به تبصره ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک: " دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می کنند:

الف - کیفر خواست دادستان

ب - قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه

پ - ادعای شفاهی دادستان در دادگاه " لازم به توضیح است در جرایم موضوع م ۳۰۲ با توجه به ضرورت صدور کیفر خواست، بحث تقاضای شفاهی دادستان منتفی است.

۱۱۷- گزینه «ب» صحیح است. (ماده ۱۰۴)

مستنداً به ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک: "... در جرایم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می شود."

۱۱۸- گزینه «ب» صحیح است. (ماده ۲۴۲)

ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک ناظر بر قرارهای تأمین کیفری منجر به بازداشت (اعم از قرار بازداشت موقت، یا بازداشت در نتیجه عجز یا امتناع از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه) است که در تمام این موارد قانون گذار بازداشت را مقید به مهلت نموده است. با توجه به تبصره ۱ ماده فوق نصاب حداکثر مدت بازداشت ها یکسان است و صرفاً ناظر بر قرار بازداشت موقت نیست.

۱۱۹- گزینه «د» صحیح است. (ماده ۶۲۶)

در این سوال نیز طراح محترم در طرح سوال تسامح کرده است چرا که منع حضور وکلای خارجی در محاکم نظامی ناظر بر حضور ایشان "برای دفاع" است و صرف حضور ایشان (مثلاً به عنوان تماشاجی) با منع قانونی مواجه نیست، در هر حال ایراد فوق قابل اغماض بوده و همان طور که در م ۶۲۶ ق.آ.د.ک نیز آمده است: "وکلای دارای تابعیت خارجی نمی توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین المللی به این موضوع تصریح شده باشد."

۱۲۰- گزینه «الف» صحیح است. (ماده ۸۵)

با توجه به تبصره ۱ م ۸۵ ق.آ.د.ک در مواردی که پرونده به هر نحو در دادسرا مختومه شود (مثلاً به جهت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب) دادستان موظف است دستور ارسال پرونده به دادگاه را جهت رسیدگی نسبت به دیه، صادر نماید. بدیهی است با توجه به آن که رسیدگی نسبت به جنبه کیفری خاتمه یافته است برای مطالبه ی دیه نباید کیفر خواست صادر نمود.

